

مطبخ و اداره خانه در خان والدہ دروازہ
خصوصہ است

مکتوبی که برای درج کازت باداره داده شده و وطن نشود، بصاحبش رد نموده شد

مکتوبی که اجرت پوست ان داده نشده است از جانب اداره قبول نگذاشته شد

۱۲۹۲

قیمت سالنامه شصت مجیدیه
شش مجیدیه
کیهان مجیدیه
ایم سالنامه در واحد سه و برای
خارج شش مجیدیه نقد افزوده خواهد شد
غیر از روزهای جمعه و یکشنبه
طبع و نشر خواهد شد

این کازت از مآثر کوفه‌ها و از سیاسیات و پدیک و از تجارت و علم و ادب و دیگر منافع عمومی سخن خواهد گفت هر کس که موافق و عامه مجاز قبول و طبع خواهد شد از اعلاناتی که در ضمن حوادث نوشته شود بهر سطره و غروش و از اعلانات عادی بهر سطره غروش اخذ خواهد شد

﴿ اخطار مخصوص ﴾

درغره اول (اختر) در ضمن بیان مسلك ووظیفه خود نوشتیم كه مقصود ازطبع و انتشار این كارت خدمتی بمعارف و زبان و علم . و زیاده كردن روابط و مناسبات شرقیه است كه امروز آنرا از مهمات امور توان دانست . پس از آنكه این كارت بیرون آمد درخود پای تخت خدمت اعظم مملكت و كسانكه مناسبت داشت تقدیم شده و باطراف هم از ایران و قفقاز و هندوستان و دیگر ممالك بقدریكه مقتضی دیده شد فرستادیم . و تا حال بدوام واستمرار روش كار و حالت طالبان آنرا پاییده و منتظر استمرار حال آن شدیم .

آنچه حاصل تجربه و آگاهی گردید این شد که در این
بای تخت بطوریکه در بعض نسخه‌ها هم اشارتی
کرده شد آنچه مقصود ما است آحاد اهالی را
خلاف آن مقصود بوده . سهل است بازایی که
لسان مملکت محتاج بآن است بطور رقابت رفتار
کرده و بچشم منکر آرا می بینند . مجدیکه یکی
از بزرگان مملکت برخلاف مأمول بعد از سه ماه
قبول کردن نسخه‌های اختر عزز آورد که ما فارسی
نمی‌توانیم بخوانیم و جای تعجب این است که در عوض
بدل سه ماهه بعضی از نسخه‌های کازن که بدست
آمد دریافت کردیم !

والحاصل چون این کازت در اسلامبول در حالت
حاضره در نزد اهل مملکت بطوریکه میبایست
بشود نشد و آب و رونق پیدا نکرد و عند مشتریها
و خواهان آن منحصر بخارجها و ابران و هندوستان
و سند و قفقازیه گردید و برای ایشان صفحات
اختزابه بعضی زوائد و مکررات که فردای آرزو
حکمی نخواهد داشت بگردن لازم نیست و حکم
اکثریت بآنها بود . لهذا قرار داده شد که
نامعلوم شدن تکلیف آئینه و استقرار حال این کازت
تسا در روزهای چهارشنبه و شنبه که روزهای
پوسنها است هفته دو بار این کازت طبع و نشر
شود . ولی حجم و بزرگی و عدد صفحات و سایر
متغیرات آنرا قرار درستی داده نشده است لهذا
ملاحظه اینکه برای حضرات مطالعه کنندگان
مقدمه آگاهی از مطلب باشد همین قدر زحمت افزا

گردد. خبر میدهیم نسخهٔ اول از روی قرارداد
تازه روز چهارشنبه آینده پیرون خواهد آمد.
و در آن نسخه بزرگی و عدد صفحات معلوم شده
و هم آنچه باید اطلاع داده شود خدمت ایشان
معرض خواهد گردید.

— قدرت دولت و آبادی مملکت —

دولت ورعیت منالزمان هستند دولت را رعیت لازم است ورعیت را دولت .

دولت بقوت و قدرت برپا شود و قوت بکثرت نفوس
و توانگری رعیت حاصل گردد .

قدرت و قوت هر دولتی باندازه کثرت نفوس و توانگری اهالی است . هر قدر عدد رعیت زیادتر و هر قدر توانگری آنها بیشتر باشد بهمان نسبت دوا را قدرت و توانایی خواهد بود .

نوئلتهای اروپا که اینهمه شان و اعتبار را مالک شده اند بجهت صرف همی است که در این دوشنبه کار کرده اند و می کنند . اگر یک نفر رعیت انگلیس را فرساد در یک گوشه دنیا بناحساب و ستم صدقه رساند تمامی قوت خود را در تلافی آن صدمه بکار میبرد . همچنانکه در حبستان و غیر آن کرده می کند .

کریگی از آنها در اقصا بلاد دنیا بکشد هرگاه
مر دار بشود باینکه صد هزار کسی را در سرتلاقی
ن بکشد بکشت بدهد و کورها در آن راه خرج
نکند و جوی خودداری نکرده و مقصود را حاصل
ن نماید . حال آنکه آن بکشد هم از میان رفته
بکشد اینها را بکشد دادن و این قدر ضررها
شدن برای چیست ؟

ری اگر چنان نکند نام و ننگ خود را بیاد
بخواهد داد . و شان دولت و ملت خودشان را
حفظ نتواند کرد . و رعیت را اسباب امید واری
نی نخواهد بود . و حقوق وطن را بزرگ و محترم
بماند داشت . باین ملاحظات و تدابیر عدل و داد

وامین است که رعیت روز بر وزهم عددی پیشتر
می شوند . وهم برزوت وسامان وتوانگری ایشان
می افزاید .

بس باید این فقرہا درست بہ بینیم کہ ہمت دولت
بکدام جہت مملکت داری از ہمہ چیز بیشتر مصروف
می شود • کہ باعث آبادی مملکت و زیاد شدن
نفوس و عدد رعیت و توانگری و بضاعت داری
مردم گردیدہ • و بدین جہات بقوت و قدرت
اور روز بروز افزودہ و شان و توانگری بالا میرود •

کثرت نفوس و توانگری در مالک بعدالت است
و امنیت . نخست باید آیین عمل و داد در اطراف
معمول شود . از آن آیین مستقیم امن و امان یعنی
امنیت عواید حاصل آید . تا آنکه در درجه
دوم توانگری و کثرت نفوس رعیت بطور مقصود
حاصل گردد .

آیین عدالت را چسبیده باید در اطراف ملک برقرار کرد ۹ و واضع است در صورتیکه کلی و جزئی امور ملک و رعیت در دست اشخاصی باشد که هر کدام از ایشان هم اشخاص چند را برای شعبه های کار با قضاوی حال بگیرند . قاعده و قانونی هم در میان نباشد که همه از روی آن رفتار بکنند . و عبارت واضحتر حل و عقد امور مملکت و رونق و رفق مصالح بندگان خدای در دست میل و خواست اشخاص مختلفه الاطوار با شکاری معلوم است که وجهی آداب عدالت در آن ملک و مملکت استقرار حاصل نتواند نمود .

ارواح مقدس اسلام در خصوص حدود و تعزیرات
حکامی معین و تأکیدها در ملاحظه اندازند آن
نرموده اند . فرضا اگر یک صاحب کنه‌ای را
تازیانه بید زدیازده نباید باشد و این حد در حق
همه افراد بطور مساوات گذاشته شده است
که یک یک زاده و خان زاده مرتکب با آن گناه
شود چون قانون او را معاف نداشته است اجرا
شده قانون کشادم قانون است نمی تواند او را
معاف کند . و گرنه آقو قف قانون محترم نشده
مهور خدام خود خواهد بود . و باین
ابرازحد قانون باین طور درجانی بند نشده کاریه

هرج و مرج خواهد کسید و قاعده عدالت از میان برداشته خواهد شد .

آنکه امن وامان از میان مملکت و رعیت و دواش
واجبای دولت میبود رعیت روز بروز مضمحل
و بریشان می شود . بیکى بناچار از وطنی که پدر
و مادر اوست بادل سوزان و چشم کران دست
کشیده دوری جوید دیگری که در وطن به بدست
روایی مانده هزار گونه اسباب تلف و هلاک در باره
او فراهم آید . که این سبهارا در این حقیقه بشمار
می توان آورد . و بدین وسایل روز بروز خود
فشارا در حالت خطر ناکى مشاهده می کنند که بتفریر
می باید . اینها همه بعلت آنست که قواعد عدل و داد
و مساوات و امنیت در میان نیست .

خلاف اینکه اساس عدالت و مساوات حقوقی در میان بوده و بدین جهت امن و امان اطراف را محاطه کند آباد این صورت هیچ تصور میتوان کرد که رعیت دست از وطن خود بکشد و مملکت را رها کرده و وفاته و پریشانی کرد.

در زمانهای قدیم قاعده بوده است (حالاً هم هست ولی چون رسم قدیمی است چنان مطلب را میدانیم) هر کس کار بسیار خلاق و اقبال داری در ملک میگرد او را از ملک بیرون میگردند و در اینجا نفی میگویند . معنی این آنی چیست ؟ در حکم مانند کشت و دار کشیدن است . چنانکه در نص آن گفته اند فرموده اند ؟

ملک که از آنجا دور کردن اینقدر کار بزرگ و ناکوار
 نیست و رضا و رغبت هیچ کسی نخواهد محروم
 حقوق آن بشود . چه ماور می شود که شخص
 دل خود از آنجا بیرون بود . و اختیار از حقوق
 مل بهر بان خود محروم کرد .

قوانین بعض دواتها هست که شخص را بجهت
سیرهای بسیار از حقوق وطن محروم می کنند.
همه روزنامه ها و اغلا آنها معلوم می کنند که
آن شخص از میان ملت ما خارج و از حقوق
آن محروم است. که این هم قسمی از این
است و در حقیقت بدتر از مرگ است.

بالجمله سخن در عدالت و امنیت و اساس عدالت و امنیت بود اساس این کار همان است که باجبال آورده شد تا کار در تحت یک قانون و قاعده نباشد و آن قاعده بطور مساوات مجری نگردد روی عدالت را نمی توان دید و چون عدالت نباشد امنیت و امن و امان نیست آبادی ملک و مملکت متصور نتواند کردید پس همه همتها را باید بفهمیدن این امور صرف کرده باشیم بلکه بخواست خدا اسباب ترقی ملک و مملکت فراهم شده روز بروز برشان و اعتبار مایه خودمان و آبادی ملک و وطن خود بفرایم و این مقصود بسیار عمده سهل الحصول را که خودمان بسبب غفلت و اهمال مشکل کرده ایم بدست بیاوریم

(خبرهای تلگرافی)

انریش - مجارستان

وین ۱۱ آوریل

سندرات روم ابلی	۱۸	فلورین	۵۰	سانتیم
لیرای عثمانی	۱۰	۴	۷۰	
لیرای فرانسه	۰۹	۴	۴۶	

(بستر لوئ) می نویسد چون مستند عیانت و اظهارات اهل شورشر مقار با حکام استقلال سلطنت سینه عظیمه است لهذا از جانب دول آوروپ قبول نشده و موکدا با آنها بشد و نصیحت داده خواهد شد که ترك اسلحه نموده بدولت متبوعه خودشان تسلیم شوند

(فرانسه)

پاریس ۱۱ آوریل

روم ابلی ۴۳ فرانک ۲۵
۱۴ غروش ۶۵ سانتیم
نیزل است

اینجا بود بعزم لندن از اینجا روانه

ملکتنین

بکرس ۱۱ آوریل

اعضای مجلس سناتو که منتخب شده اند از مخالفان افکار هیئت مدیران هستند و ممکن است که بدین جهت هیئت مذکوره استعفا نمایند

انگلیس

لندن ۱۱ آوریل

اسهام عومیه	۱۴	غروش	۲۵	سانتیم
اسهام مصریه	۱۹	۳	۲۵	

(بوردیاتو)

(فرانسه)

پاریس ۱۱ آوریل

شورای ملت دهم ماه مه مذاکرات را تعطیل کرد

(انگلیس)

لندن ۱۱ آوریل

پارلنت تا ۲۵ ماه آوریل مذاکرات را تعطیل نمود

ملکتنین

بکرس ۱۱ آوریل

چون اعضای مجلس سناتو از مخالفان حکومت هستند در وقت کشوده شدن مجلس هیئت مدیران از مأموریت خود شان استعفا خواهند کرد

(مصر)

قاهره ۱۰ آوریل

آنجبه از دیون سندرات دائره خدیویه وعده آنها در دهم ماه آوریل رسیده بود وجه آنها تماما داده شد

اکنون کومیسرهای آوروپ در خصوص تحصیل بده و مالیات به ترتیب قاعده دولت انگلیس مشغول هستند

اسکندریه ۱۰ آوریل

های وهوی و عربده ساکت شد پروت نامهای زیاد بقونسلهای روسیه و فرانسه و ایتالیا وانگلیس داده شد

(روترها)

(اخبار داخلیه)

مدیری معادن بسعادتماب طلعت سمجیا بیک رئیس اسبق مجلس معادن احاله وتوجیه شده است

سعادتماب ماجد بیک افندی متصرف طولی روز دوشنبه گذشته با واپور فرانسه عازم محل مأموریت خودشان شده اند

عساکر ردیفیه را که در طر بزون و کرمسون جمع شده اند در اینوزها باسلامبول خواهند آورد

هنرماب موسی آغا امین صریه همایون و کد خدای قیوچیا پریر روز بصحت وعافیت وارد اسلامبول گردید

کازنهای آتن می نویسد مسیو سیوس ایلیچی سابق دولت یونان در اسلامبول برای سفارت پاریس معین خواهد گردید

(رسمی)

کازنهای بصیرت واستقبال و جابلاق در نسخه های آخری خودشان بعض مباحث را درج کرده بودند که ماخذ آنها بعض خصوصیات شخصیه صاحب

امتیاز کازنهای مذکوره بوده و این مباحث حد ادب را گذشته بود و مقصود اصلی از اوراق حوادث این است که از مباحثی سخن گویند که مردم را باعث اطلاعات و آگاهی باشد و عموم مردم از آن بهره مند شوند و باین گونه مقالات ناشیده روی صحائف اوراق را سیاه کردن بالطبع باعث مجازات شدیده می باید بشود لهذا صاحب امتیازهای کازنهای مذکور را اخطار وتنبیه می کنیم پیشکه بعد از این در آن کازنها از اینگونه مقالات قبیحه درج ونشر نکرده از اقدام باین کار خودداری واجتناب کنند

فی ۱۶ ربیع الاول ۱۲۹۳

وفی ۳۰ مارت ۱۲۹۳

خلاصه کاغذی است که لوانت هر آلد از بلغراد در ۳۱ ماه مارس گرفته است و نقل می کند

سه روز پیش از این (ماده وازل مارکوس) در واپور اوستریا که از (بازیش) می آمد اینجا وارد شد اگرچه کسی آمدن او را نمیدانست لکن بعضی انمخاص او را دیده و شناسخته و بعد اهی (هورا) او را پذیرایی نمودند این خاتم بیست و چهار سال دارد و میان بالا است لباس مردانه اهل هرز کوین را پوشیده بود اصل او از اهل جزیره یافه فلک و بسیار دولتمند بوده مدتی در سمت بیت المقدس سکنا کرده در آنجا نیز قدری املاک را مالک است (ماده وازل مارکوس) در دسته لی بو برادیش میشد و خود داخل میدان جنگ نبوده و تنها مالا کومک باهل شورش میکرد و بعضی دسته های کوچک را پول ترتیب داده و اداره آنها را متکفل بود

در خصوص اصلاح مصالح جنگی از جانب مدیر جنگ مساعی و اهتمام ظاهری شود تا حال در میان عساکر صربستان ارکان حرب نبود اکنون باهر پرنس ترتیب ارکان داده شده بموجب امر نامه دیگر معین می کنند جاهای اقامت عساکر را که بشش قسمت خواهد بود در شهرهای والیه و چاقو و قو پریا و زامچار و بو یاراج و قراکو وواج

صاحب منصبان را قرار داده اند بجهت یاد گرفتن آداب جنگ پنج سال مشق کنند و دو سال مشق متعارف و سه سال تحصیل علوم و فنون حربیه پردازند

(نایه فرایه پرسه) در اینباب تفصیل میدهد وی نویسد

فرقه های عسکریه صربستان که بشش فرقه شده است هر کدامی عبارت از دو لوست و یک تب و یک فوج توپچی و یک فوج ارکان و یک فوج صنایع بوده و در هر فرقه هم یک دسته صحیه خواهد بود کیهو ارکان حرب که تازه ترتیب می شود در دائره جنگ بوده و در هنگام جنگ زیاده از حال مساوات خواهند بود و ارکان حرب

عبارت از شصت نفر صاحب منصبان خواهد شد

کازت رسمی بلغراد ترفیع رتبه ها و اعطای مناصب زیادی را در ضمن نسخه های خود اعلان کرده است

جزال (جاج) باور اول پرنس میلان پریاست ارکان حرب نامزد شده صاحب منصبانی که پیشتر استعفا کرده بودند دوباره داخل سلک عسکری شدند و جیجی از صاحب منصبان سابق انریش بیست صاحب منصبی داخل در عسکر صربستان گردیدند

از (قارو) بکازنهای وین نوشته اند در قریه (ریزاتو) خانه را که مرتبه بالایی آن انبار آذوقه اهل شورش بوده و در مرتبه پایین بقدر بیست نفر از مهاجرین اقامت داشتند در شب ۲۷ ماه مارت گذشته سقف وسطی خانه بسکینی زرار و لافه تاب نیابوده و فروود آمده است در زیر این خرابی یک پیره زن و یک دختر چهار ساله و یک طفل مرده و بازده نفر مجروح گردیده اند

شب شنبه گذشته در یک اوغلی در محله الماطانی زن بیست و پنجساله را در خانه خود مرده یافته اند که در کالوی اودستمالی بسته بوده است و بواسطه آن معلوم شده است او را خفه کرده اند و چند نفر که بانها کان رفته است گرفتار شده اند

(زراعت)

در خصوص زراعت فصلی میخواستیم بنویسیم در این بین فصلی از (جریده حوادث) در نسخه دیروزی بنظر رسید عجلاله ترجمه آن را خالی از منفعت ندیدیم بعلت آنکه مضامین آن بحال بعض اهالی ایران نیز شامل تواند شد

بجز از اراضی دولت علیه بحث کردن لازم نیست بعلت آنکه بجهت میداند که اراضی دواهی حالت نه تنها کافی باحتیاج رعیت است بلکه اگر چه مثل این اهال باشد از اعلا و اوسط و ادنا در انهماره با رزو و خواش خدمت و مأموریت اقتضا اند از اهل شهر کسی نیست که در صنایع و حرفه های خاصه خصوصاً حال و زبیل کشتی و مانند آنها کار کند از اهل شهر کسانی هستند که بجز بسیار کمی قناعت کرده و تاشا کرد الاغدار می کنند ولی بکارهای بازجت و هاتی هاتی خواهند خود را راضی کنند مثل حالی وقایق کشتی جان وقایق کشتی که نمی هندیم خیلی هستند که روزی بازده غروش و سی غروش و زیاده تر می گیرند و یقینا شاکر الاغدار اینقدرها اجرت ندارد

مقصودم از این اهالی دهات است چغت و زراعت می آیند که کویا در شهر کارها بسر می برند رفاه و آسوده کی را در هم تشویق و ترغیب ریتنه بشهر بری بیو مردها و اطفال آنها وای گذارند

این همه آدمها به بلا فروش بیوک فروش عیداتم چه وجه عیدانها در شهر می و بعض دیگر مجرد اولادیکه می بایست از وعلاوه بر این از سبب وطن است محرومی می شود

درین حال هر قدر تش شود پس فرستادن متفرقا را بمالک خود باجبار هستند والا رفت

اینجا که بوطنهای خود اکثری از کارها و صنایع وقت کسانیکه از اهل اینگونه صنایع خبیه و صاحبان صنایع بیچاره کی نمیتواند متأ وطن روز بروز زیاده تر

بعضها میگویند سر تناسل است راست میتوانیم تصدیق که مانع از کثرت تناسل از کثرت تناسل مانع بعد از آنکه در زیر نظامیه خود را کرد کثرتی را که مایه کثرت کثرت خود شاکر الاغدار شده بروی عیال و این جهان میروید

بان خواهد
طای مناصب
زده است
براست ارکان
که بیشتر است
کری شدند
تاریش بهمت
صربستان

در قریه
نبار آذوقه
در بیست نفر
۲۱ ماه مارت
و آذوقه تاب
خرابی يك
طفلس مرده

المطالعی
دهانه اند که
و بواسطه
و چند نفر

بنویسم در
(در نسخه
آن را حال
آن بحال

لازم است
در این حالت
بلکه اگر
نداده که در
انتظار اند
و حرفهای
و مانند آنها
شد که بجز
و الاغدا
بخت و هلاک
منلی حالی
و هندی خلی
و و زبانه
درها اجرت

مقصودم از این فقره بیان حالت بعض
اهالی دهات است که بعض اشخاص
چفت و زراعت خودشانرا ترك کرده بشهر
می آیند که گویا در شهر پول زیاد است و در این گونه
کارها بسر می برند . و همین قدر که فی الجمله روی
رفاه و آسوده می راندند همشهریهای خودشانرا
هم تشویق و ترغیب می کنند . و روی هم دیگر
در بخت بشهر بر می شوند . حتی در بعض جاها
بیر مردها و اطفال مانده و کار زراعترا بهمه
آنها وای گذارند .

این حال را آخر و پایانی نیست از اسلامبول عبرت
بگیریم مسافرن را که از واپورها می آیند بیکار نظر
پیشند از هر هفته دسته دسته و گاه گاه ترك
و کرد و بوشناق و عرب و انبوه و بلغار و لاز
خواهیم دید . و اگر یکی بود سه تا می آید
اگرچه در شهر جمعیت میشود لکن دهات و قری
خالی می ماند .

این همه آمدهها به بلای صنعت گرفتار می شوند شکر
فروش بیرون فروش ناتوا بقال قصاب آشپز نوکر
نمیدانم چه وجه . اگر درست به پنجم چند صد هزار
از اینها در شهر می موجود است که بعضی شاهر
و بعضی دیگر مجرد هستند . که وطن از بجهت
اولادیکه می بایست از آنها بعمل آید محروم می ماند .
و علاوه بر این از سعی و عمل آنها که باعث آبادی
وطن است محرومی بزرگی برای وطن حاصل
می شود .

درین حال هر قدر تشویق و ترغیب بزراعت کرده
شود . پس فرستادن وجع کردن این همه زارعهای
مفرق را بمالک خودشان مشکل است بلکه محتاج
باجار هستند و الا باختیار خودشان نخواهند
رفت .

اینها که بوطنهای خودشان بروند و فرستاده شوند .
اکثری از کارها و صنعتهای شهر در زمین می ماند و آن
وقت که آنکه از اهل شهر کرسنه می ماند بکار
اینگونه صنایع خسیه و بالاتر از آن صنایع نفیسه
و صاحبان صنایع تجارت می پردازند و کسانی که بجهت
بجاری می نتوانند مائل بشوند مائل نمیکند و اولاد
وطن روز بروز زیاده تر میشود .

بعضیها میگویند سربازی و عسکری مانع از کثرت
تناسل است راست است تا یکدرجه این فقره را
میتوانیم تصدیق کنیم . لکن هر قدر سربازی
مانع از کثرت تناسل است سه مقابل تعرب از وطن
از اکثر تناسل مانع است . بعلم اینکه عسکر
بعد از آنکه در زیر سایه پادشاهی انکال مدت
نظامیه خود را کرد بوطن خود می رود . لکن
کسانی را که ما میگوئیم ده و بیست سال بخيال اینکه
کسیه خودشانرا از طلا و نقره پر میکنند عمر خود را
در خارج میکنند . و بعضی در اینجا خوش
شده بروی عیال و اولاد خود حیرت مانه و از
این جهان میروند .

همین ملاحظه است که در وطن مادری اتفاق
مایه میکردیم چون کار مقرر نیست و در تحت يك
اسلوب نمیشد با آنکه همه اولاد يك وطن میباشیم
و همه عینو همنیم بازمی توانیم اتفاق مطلوب را
حاصل کنیم . بجهت آنکه بر زکر و شبان
و اصناف معلوم نیست هر کدامی چشم خود را بنان
دیگری دوخته است .

این یکی را به پنجم که کار و خدمت دولت از همه
چیزی مقبول و مرغوبتر شده است هر کسی
میخواهد وظیفه خور و مستری خور دولت باشد .
همیشه درین خیال است يك وسیله پیدا کرده
بدانرا خدمت دولت داخل بشود . و بسا هست که
بجهت نبودن استعداد و قابلیت خود در کوشه
مانده مخدول و منکوب میشود و در کجی می پوسد .
بیشترها مدبرها و قائم مقامها که نوشتن و خواندن را
نمیدانستند و از هیچ جای دنیا آگاه نبودند همه
باین امید خودشانرا به یکی منسوب و وابسته کرده
بشهر می آمدند و کار خودشانرا در اینجا می ساختند .
شکر خدا را حالا آنکه این در بسته شده
و میخواهند بی باقت و استعداد بگردند . و هکذا
اهل قلم و منشها که در میان آنها کسانی هستند که
پدرهای ایشان تاجر و اصنافی است و خودشان
صاحب مکتب و استطاعت میباشند مع ذلك
از چرخ صنعت پدر خودشان دست کشیده
همینکه چهار روزی در مکتب رشیده تحصیل
کرده است میخواهد منشی و نو بنسند دیوان
بشود .

قبیله شلوق

در وقایع مصره تفصیلی در خصوص حالات
قبیله (شلوق) دیده و ترجمه کردیم .

این طایفه شلوق از قبیلههای بزرگ اولاد حام
هستند که در قطعه افریک سکنا دارند . ممکن
اینجا در ساحل غربی بحر ایض است و به بیست
بدنه منقسم میباشند . و هر بدنه يك حاکمی
دارد که بزبان خودشان آمارا مک گویند که گویا ملک
میخواهند بگویند . شماره نفوس آنها زیاده
از دو کرویر یعنی يك میلیون بوده است . حدود
موطن آنها بر حسب موقع جغرافی از قشوه بطول
دریای سفید بسمت جنوب تا پنج درجه متمدی شود .
و میرسد به نزدیک جبل ربانی که در حوالی قونستوکرو
است که از آنجا پنج میل که بخط استوا محاذی
است پنج درجه بعد مسافت است قشوره نیز ده
درجه در عرض شمالی واقع و قبیله مذکوره بقدر
نصف مسافتی را که تا منع نیل هست گرفته اند
و بدین جهت اراضی و اماکن آنها قابل هر گونه
کشت و زراعت است ولی بکمال خشکری و بطالت
و تنبلی عانت کرده و بکار کشت و زرع نمی پردازند .
و اکثر خوراک و مدار تعیش آنها گوشت قیل و سنک
بشت و جاموش آبی است . و مردوزن هم تحت
مادر زاد برهنه و عریان راه میروند و سز عورت و آداب
انسانیت را نمیدانند چیست . و بسکه در سرشت
و فطرت آنها شرارت و پست فطرتی هست همیشه
باقابل و طوائفی که همسایه هستند از جنگ و جدال
و منازعه فارغ نیستند . و گاهی هم بکشتهایی که
از دریای سفید میگذرد دست اندازی کرده و ضرر
و خسارت میرسانند . و حکومت سبیه بقدر امکان
اینهارا میخواهد بمقام مدینت و انسانیت بیاورد
و بدین جهت اصول زراعت و فلاح را بآنها
میتواند تعلیم میکند و کمال اهتمام را در اینجا بکار
میزند . ولی هنوز لذت زراعت را نفهمیده و مزیت
و شرف انسانیت را ندانسته اند . الا آن نیز بعادت
مألوفه ککوش حیوانات و حشبه میخورند
و بوحشگری و بطالت و حالات و اطوار نا کوار
بسر میبرند . در میان قبیله مذکوره کاور و کوسفند
بسیار هست لکن تا نطق نشود یعنی خود بخود
نمیرد نمیخورند . جنس کاورا زیاد دوست میدارند
حتی از میان آنها یکی را که بصفتان مقرر خودشان
باشد انتخاب میکنند و انواع و اقسام مهره هارا

و سوار و دستبدهای همه قسم را که از مس ساخته
شده باشد از شاخ و آویخته و آرایش میدهند و او را
ستایش میکنند و اگر کسی از اهل قبیله هائی
دیگر بنظر بی اعتباری و حضارت بآن نگاه کند
او را بجهت آنکه بی احترامی بمسود شان کرده است
میکشند و در سر همین فقره جنگهای بزرگ و فتنه ها
در میان آنها با همسایگان خودشان می افتد و تا نفس
آخر در رعایت حال و احترام آن کاور میکوشند .

بیشترها در لندن از دکان مسبو و ویلیس نام جواهر
فروش بقدر یکصد و پنجاه هزار فرانک جواهر
اسباب دزدیده شده بود . از قراریکه کارتها
می نویسند هر چه بتوسط مأمورین پولیس و ضبطیه
و طورهای دیگر ببقام جستجوی این فقره برآمده اند .
اثری از دزدان ظاهر نگریده است . این اوقات
جواهر فروش مرقوم بواسطه همه کارتها اسلان
کرده است که هر کس از دزدان خبری دهد يك هزار
لیره باو داده خواهد شد . و این هزار لیره در يك
لندن به فوراً امانت گذاشته شده است .

بجهت محافظت آبهای صفحات چین از صدمات
کشتنهای راهزنان دریائی قرار شده است از طرف
دولتهای انگلیس و روسیه و آلمان و امریک بعض
کشتنهای واپور جنگی یا تجارها فرستاده شود . و غیر
از اینها از جانب دولت فرانسه نیز يك دستگاه قوه
بحریه بآنجا ارسال خواهد شد .

از قرار خبرهای که از برلین می رسد راهزنان دریائی
در صفحات چین خیلی تفصیل داشته اند و قوتی را مالک
هستند و بنابرین کشتنهایی که بجهت محافظت
آنجاها و تعقیب و تادیب آنها میبود متعاقباً بایضای
تکلیف خودشان خواهند پرداخت . درین مورد
همچنانکه تخلف نکردن دولت فرانسه از دول مشار
الیم لایق تحسین است این یکی نیز باعث
خوشنودیست که دولت مشارالها اول دفعه است که
بجهت منفعت عمومی با دولت المان اتفاق میکند .

دولت امریک نیز بار اول است که مسلحاً بکاری که
دول اوروپ اقدام کرده اند موافقت کرده و داخل
میشود .

باعث این سفر سفائی دولتها این است که يك فروند
کشتی بخاری المانرا که نام آن (انا) بوده است
در آبهای چین راهزنان گرفته و هر چه داشته است
غارت کرده اند . و در اینجا بایچینگ دولت المان که
در پکن پایتخت چین هست طلب رضیه نموده و اول
کشتی که ایلچی مومی الی را تصدیق نموده است سفیر
دولت امریک بوده است .

کازت (وزیر چای و تنباکو) که در برلین چاپ میشود
درین ذیل می نویسد که بودن کشتنهای دولت

انگلیس و روس در آبهای چین برای آینده آسیای وسطی کار دارند است بعلت اینکه بهمانطور که در سمت آسیای شرقی هم رای و همفیل میشوند آیا ممکن است که در مسئله آسیای وسطی هم مقاصد خود را یکی نمایند ؟

از قرار اطلاعاتی که حاصل کرده ایم دولتهای مشار الیه بموجب یک اخطار نامه عومی بحکومت چین خبر خواهند داد که باید امر تجارت مادر آسمان و آبهای چین در تحت امنیت و خاطر جوی باشد اگر چنانچه حکومت چین مقتدر باین کار نیست مادر اینباب معاونت خواهیم کرد .

اگر چنانچه حکومت چین در اینباب اظهار مخالفت نماید خودشان مبتدا این کار را در عهده خواهند گرفت .

(نایه غرایه بر سه)

(قطعه مکسک و شورش)

چنانکه معلوم است یکی از قطعات امریک که دنیای تازه است قطعه مکسک است که در سمت جنوبی مالت فدره امریک واقع می باشد .

حدود آن از سمت شمال حکومت فدره امریک است و از طرف غرب و جنوب دریای محیط و امریکای وسطی و ظرف شرقی دریای انبیل و خلیج مکسک است . قطعه مکسک بشمار بیست و یک حکومت است از شهرهای مشهور یکی خود مکسک است و ۲۵۰۰۰۰ نفوس دارد . مالت مذکور یک وقتی در دست ماکسیمیلین نام حکمرانی بوده مردم آنجا در سال ۱۸۶۷ شورش کرده و او را از حکومت خلع و بالاخره در سال ۱۸۶۷ او را تیرباران نمودند و بعد از آن جمهوریت شدند و ژواوس نام رئیس شد و در آن بین جنرال (دیاز) نام که پیشتر وزیر عدالت بوده مخافت کرده و رئیس مذکور بعد از آنکه مدتی مشغول اغتشاشها شد . در سال ۱۸۷۲ وفات نموده (زودتر اخادا) در ماه دسامبر ۱۸۷۲ بمجهت ریاست انتخاب کرده شد .

در مکسک این روزها باز اختلال و شورش ظاهر گردیده است . چنانکه در ضمن خبرهای تلگرافی در چند روز پیشتر اطلاع شده بود که در ۴ ماه نسیان اهل شورش شهر (مامورس) را ضبط و تحویل کرده اند و این شهر دفته سیم است که عا کر مکسک در آنجا مغلوب می شوند در سال ۱۸۳۹ عسکر (نکلس) آنجا را محصور و ضبط کرده و در سال ۱۸۴۲ عساکر جمهوریت امریک آنها را در آنجا مغلوب و بریشان نموده اند .

کازنهای انگلیس می نویسند مکسک اینروزها در میان شورش مانده و در پنج و شش جا اوضاع شورش و عصیان برپا شده است . اگر چه هنوز اسباب ظهور این شورش نرسیده است . ولی اجالا معلوم می شود که در سر حواله بده و توجیه تازه این قهره اتفاق افتاده است . و رئیس شورش باز جنرال دیاز

مذکور بوده است . البین امریک که در مکسک اقامت دارد تکلیف کرده است که بمجهت برقرار داشتن آسایش و آرامی مکسک بمجهت امریک حسن توسط خود را بعمل بیاورند . و در حال این آتش اختلال روز بروز در اشتعال بوده است .

(از کازنهای فرانکستان)

در خصوص تغییر و تبدیل وضع سفرای فرانسه بعضی خبرها منتشر شده بود . از قرار بکه معلوم شد این خبرها اصل و اساسی نداشته است . در میان پادشاهان و وزرای دول اروپا اسباب ملاقات بسیاری مرتب می شود . در این چند روز امپراتور المان بملکه انگلیس که در شهر قو پورگ المانی باشند ملاقات خواهند کرد لورد (دربی) وزیر خارجه انگلیس همراه علیا حضرت ملکه بود و اعلیحضرت ویلیم امپراتور المان سیو (دیپو) انتشار خارجه را همراه خواهند داشت .

در اوایل ماه مه اعلیحضرت امپراتور روس بآب کریمهای (اس) عزیمت خواهند کرد و در آن ضمن چند روزی در پیرامین اقامت خواهند نمود . و جناب پرنس کورچکوف نیز در خدمت ایشان خواهند بود .

کونت شوانوف ایلچی دولت روسیه در لندن که به پتربورگ عزیمت می کرده است . از پیرامین گذشته و از جانب اعلیحضرت امپراتور المان و پرنس بسمارک بشوری در حق پذیرائی کونت موی الیه لوازم اعزاز و احترام بعمل آمده است که باعث دقت نظر بولیک شتاسان گردیده است . اعلیحضرت امپراتور روسیه اعتقاد زیادی در حق کونت شوانوف دارند . پرنس بسمارک را هم کال دوستی با کونت موی الیه هست .

چنانکه معلوم است مجلس لوردهای لندن لقب امپراتریسی علیا حضرت ملکه را تصدیق نموده اند . و قبول نمودن ملکه این لقب تازه را در نظر دولت روسیه نظر خشنودی دیده نمی شود . مسو دبیرانی در پارلمنت در خصوص رفتار دولت روسیه در صفحات آسیای وسطی نطقی کرده است و در مقابل آن کازت (غولوس) که در پتربورگ چاپ می شود می نویسد .

در حالیکه نامی دولتهای اروپا اهتمام دارند که آسایش مشرق زمین بدرجه کمال برسد . نطقی که مسو دبیرانی در پارلمنت در باره دولت روسیه بیان کرده است بسیار بی قاعده بوده . و در حالیکه انتظار حاصل بود که دولت المان برای نگاه داشتن مناسبات در میان دولتین روس و انگلیس توسط خواهد کرد . هیچ لازم نبود وزیر اعظم انگلیس این قسم بیان خیالات خود را در مجلس پارلمنت با آنطورها بیان بیاورد .

تور یورسه

غسله ۳۱ مارت رومی

بار	غروش	استهام عمومی
۰۶	۱۶	
فرانق	۱۸۶۳	۰۹۵
	۱۸۶۵	۰۹۶
	۱۸۶۹	۰۸۶
	۱۸۷۲	۰۸۴
	۱۸۷۳	۰۲۶
فرانق	۱۸۷۳	۰۲۶
مندات راه آهن روم ابلی	۴۲	۷۵
لبرای عثمانی	۰۳	۰۰
سوسنه جنرال	۰۱	۳۳
اعتبار عمومی	۰۳	۰۰
تراوای	۱	۵۰
کیبال	غروش	بار
لندن ۳ ماهه بهر لبرای انگلیس	۰۰۰	۰۰
پاریس	فرانک	۰۰
فیشات مکوکات لبرای عثمانی		
از قرار صد غروش		
غروش	بار	
لبرای انگلیس	۱۱۰	۲۲
لبرای فرانسه	۰۸۸	۲۴
امپریال	۸۹	۱۰
کریجه	۵۱	۲۰
رویل (منات) شتره	۰۰	۰۰
منات کاغذی	۰۰	۰۰
مجیدیه	۱۰۳	۰۰
بشک	۱۰۶	۱۸
ماتک	۱۰۶	۳۰
بول سیاه	۱۴۰	۰۰
ظاهر		

تور اعلانات

کتاب مستطاب

(میزان الموائین فی امر الدین)

که در چند سال پیش از جانب یکی از نامورین سفارت سفیر ایران . در خصوص محاکمه ادیان مختلفه ورد پرساله میزان الحق نام پروتستانی تألیف . و در مطبعه علمیه طبع شده است . در مغازه کتاب فروشی در تحت مسافرخانه عسکری در یک مجیدیه سفید فروش میشود .

اعلانات مخصوصه با اداره اخت

محل فروش اخت

دکان جلیل انا کتاب فروش در جنبه طاش . دکان حاجی حسن انا کتاب فروش در باغچه قیوسی . دکان نذا کو فروش در اقصای نزدیک بشل طولومه . مغازه کتاب فروشی بزرگ در نزد مسافرخانه عسکر .

در اداره خانه (اخت) هر قسم اوراق و نوشتجات که فارسی و عربی و المانی و فرانسه و انگلیس و روسی و ایتالیایی و اسپانیولی باشد بکری و از برای بزنهای مذکور ترجمه میشود . و اگر کسی طالب باشد بزنهای مذکور بعضی نوشتجات بویسانه در اداره خانه بویسانه آنها موجود است .

(هر گونه کتب و رسائل و اوراق) چه بلیتو غراف و چه به بلیتو غراف یعنی با سیمه و چاپی مشکی و حروفی در مطبعه (اخت) در کال خوبی و امتیاز طبع و بتیمت و بهای مناسب و بطور مطلوب و موافق طبقه تمام کرده میشود و همچنین هر گونه اوراق و اسناد برنگهای مختلف و خطوط متنوعه و نیز رسمهای کراویر و قریون و کارت و بلیت فارسی و ترکی و فرانسوی و دفاتر تجارت و هر نوع اوراق رسمیه که از جانب اداره های رسمی و دولتی امر و سپارش داده شود در نهایت امتیاز و خوبی طبع شده و باعث خشنودی خواهشمندان سپارشهای مذکور از هر جهتی خواهد گردید . و سکه های لبطوغرافی هم جور بزرگ و کوچک بقیمت مناسب جهت فروش در اداره مطبعه موجود است .

کتاب کلستان

افصح الشعر اشعاعی شیرازی رجعه علیه رجعه واسعه بخط تعلیق از فخر العالیجناب میرزا انا صاحب قلم که از متاخر خوشنویسان ایران است در کمال نفاست و خوبی با سیمه شده در مغازه کتاب فروشی در زیر مسافرخانه عسکریه بایزید . و در دکانهای جلیل انا در جنبه طاش و حسن انا در باغچه قیوسی جلدی از قرار بیست غروش رایج فروش میشود .

مطبعه و اداره در شارع میباشد .

قرار قیمت سالی است .

یک نسخه ۱ غ فی ۲۵ شهر ذی

این کازت از هر که یعنی روزهای ش

مدتی

مهلتی

تا نراید

خون نک

بعلت بعضی موا

ناچار شده با خت

تعداد آن اسباب

از طالبان مطال

چشم داشت دا

و خسارتی که در

و امر و زبیری خ

و نشر آن فراهم

پذیرند و برماخور

الناس مقبول

یا لجه در ایندت تع

میایست برسد رس

مشروط بودی

و استمرار طبع و نشر

داد . بهمت جعی

ترقی و غیرت کیشان

شده حصول

کفالت نمود . و بت

نشان بترتیب و تنظ

امیدواری داریم

روزنامه منظور اس